

بسمه تعالی

# از تو ای شعر واقعا ممنون

شاعر:

کسری ناری دماوندی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۴

سرشناسه: ناری دماوندی، کسری، ۱۳۷۳-  
عنوان و نام پدیدآور: از تو ای شعر واقعا ممنون!  
مشخصات نشر: تهران: ارسطو، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ۷۸ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۸-۹۷-۳  
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر  
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>  
قابل دسترسی است  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۱۷۹

نام کتاب: از تو ای شعر واقعا ممنون  
مؤلف: کسری ناری دماوندی  
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرابی و تنظیم: پروانه مهاجر  
طرح جلد: علی شریف زاده  
تیراژ: ۱۰۰۰  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴  
چاپ: مهتاب  
قیمت: ۵۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۸-۹۷-۳  
تلفن های مرکز پخش: ۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

تقدیم به پدر و مادرم و خواهرم و تمام  
کسانی که مرادراین راه همراهی کردند.

به غمگینی سالنی خالی از تماشاگر  
این روزها دلگیرم ،  
وقتی هیچ چیز سر جایش نیست  
حتی بازیگر نقش من ،  
که فریاد می کشد دروغ هایم را  
پشت پرده ای بلند  
پرده ای بلند ،  
از افکار پوچ من  
کنار دفترچه ای پر از نوشته های خیالی  
دفترچه ای پر از میزانشن های دروغین  
وقتی برای رسیدن به تو  
نوشتن این نمایش ،  
سال ها طول خواهد کشید

بر مرتفع ترین نقطه این آسمان  
دیواری از گُل ،  
جلب می کند حواسم را  
زیر چراغی سبز رنگ  
کنار دریاچه ای عمیق  
تنها این ،  
نشانه ایست از زندگی تو  
میان کوهی از خوشبختی  
وقتی که ،  
حتی ذره ای فکر را مشغول نمیکنم

سی روز بعد ،  
میان بوته هایی قرمز  
پشت به آفتابی سوزان  
در مسیر تو قرار خواهم گرفت  
حتی اگر ،  
این پیش گویی درست نباشد

زمستان نود و دو

نگاه می کنم  
دروغ های آدمکی را  
که پشت هر دیواری  
فریاد میزند ؛  
" یکی رو ، یکی زیر "  
و چه احمقانه باورش میکنم  
شاید ،  
شالگردنی از دروغ برایم بیافد .

شبيه هيچ شده ام  
هيچ مطلق ،  
در ميان مستي كودن  
در امتداد خيابان آزادي  
هيچ کدام از اتفاقات، اين روزها  
شبيه حقيقت نيستند  
وقتي قاتلي  
به اوج مي رسد  
براي رسيدن به هيچ  
و هيچ  
و هيچ



خاطره ،

تنها باز و بسته شدن چشمان ات است

زیر آسمانی تیره

وقتی ماه ،

ابرها را برای دیدن ات کنار میزند

خاطره ،

بسته نگه داشتن چشم های من و توست

خاطره ؛

بوسیدن پیشانی ات روبروی طلوع خورشید است

خاطره ،

دیدن توست ...

خاطره ،

تنها باز و بسته شدن چشمان ات است

خاطره ،

انبوه خاطرات توست

خاطره ،

تنها باز و بسته کردن چشمان است

زمستان نود و سه